

## تبیین مولفه‌ها و مبانی افزایش مشارکت در حکومت از منظر قرآن، نهج البلاغه و غررالحکم

سیدعلی هاشمی<sup>۱</sup>

عبدالرضا برزگر<sup>۲\*</sup>

امیر محمد صدیقیان<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از این پژوهش تبیین مولفه‌ها و مبانی افزایش مشارکت در حکومت از منظر قرآن، نهج البلاغه و غررالحکم می‌باشد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بر اساس لغت کاوی و معنا کاوی از متون دینی می‌باشد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق سند کاوی و فیش برداری متون دینی و برخی از اسناد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. یافته‌های تحقیق نشان داد مولفه‌ها و مقوله‌های مستخرجه مثل عدل و عدالت گرایی، حق و حقیقت گرایی، مشورت خواهی و مشورت گرایی، صراحت و صداقت، احترام به قانون و قانون گرایی در افزایش مشارکت عمومی در تشکیل و اداره حکومت اسلامی نقش بسزایی دارد. در بررسی متون دینی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با امعان نظر به نقش مردم در تشکیل و اداره امور حکومتی، در بسیاری از آیات، حکمت‌ها، خطبه‌ها و نامه‌ها (از جمله آیه ۱۰ و ۱۸ سوره فتح، آیه ۳ سوره بقره، خطبه ۳۴ و نامه ۵۳ نهج البلاغه) و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از جمله: بند ۸ اصل ۳، اصل ۶، اصل ۷، اصل ۸، اصل ۲۶، اصل ۲۷، اصل ۵۶، اصل ۵۸، اصل ۵۹، اصل ۶۲، اصول ۱۰۰ الی ۱۰۴، اصل ۱۱۴ و...) مشارکت عمومی مورد تاکید قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌گان:** مشارکت عمومی، حکومت اسلامی، متون دینی، قرآن، نهج البلاغه

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

۲. استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

## مقدمه

هر حکومتی فارغ از نوع و محتوا به منظور اداره امور اجتماع نیازمند مشارکت عمومی است و هیچ حکومتی بدون مشارکت مردم قادر به اداره امور خویش نخواهد بود، حکومت اسلامی نیز نیازمند مشارکت مردم در اداره امور کشور است. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی که ضرورت اداره آن را نیز نمودار می‌سازد، اجرای احکام شریعت الهی است که بدون مشارکت مردم این امر نیز غیرممکن به نظر می‌رسد. در این راستا، پژوهشی با هدف مشخص کردن ماهیت مشارکت عمومی در حکومت اسلامی انجام داد تا روشن شود مشارکت صرفاً حقی همگانی در برابر حکومت است یا می‌توان آن را نوعی تکلیف شرعی نیز قلمداد کرد. به همین منظور ابتدا تعریف و اقسام مشارکت و سپس مبانی دینی مشارکت را بررسی کرد تا جایگاه آن در حکومت اسلامی مشخص و نقش مردم در اداره امور اجتماعی و همکاری با حکومت اسلامی روشن شود. در پایان اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد با توجه به منابع دینی، مشارکت فعالانه مردم در اداره حکومت اسلامی صرفاً حق نیست و وظیفه و تکلیف آحاد امت محسوب می‌شود.

مشارکت مردم در تمامی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، امری است که امروزه در تمامی جوامع پذیرفته شده است و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود، این اهمیت اصولاً از آنجا ناشی می‌شود که اولاً مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ غایت و آزاد سازی و اعتماد انسان‌ها به خویشتن منجر می‌شود و ثانیاً از نظر ابزاری و در کلیت آن، به بسیج و نقش آفرینی توده‌های انسانی در فرآیند عملی حیات اجتماعی و حرکت رو به جلو جامعه منجر می‌گردد. شئون مختلف حکومت صرفاً در صورت حضور و مشارکت مردم امکان‌پذیر است و مردم تنها چرخ محرک حکومت اسلامی محسوب نمی‌شوند، بلکه بقا و دوام حکومت مبتنی بر حضور فعال آنان است (۳). افراد باید با مشارکت فعال در سرنوشت خود و جامعه، دخالت کرده و در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و چگونگی اداره‌ی امور کشور تأثیر گذار باشند. چرا که اگر در تعیین سرنوشت خود مشارکت نداشته باشند، براساس سنت‌های موجود در عالم خلقت، دیگران با سلطه بر آن‌ها و به جای آنها، تصمیم‌گیری خواهند کرد. با ایده‌ها و ایدئولوژی‌های نابهنجار به سیاست‌گذاری و تنظیم اداره‌ی امور می‌پردازند. جامعه را به سرمنزل هدف‌های مورد پسند جهان‌بینی خود سوق خواهند داد و چه بسا آن‌را به مرحله‌ی هلاکت بکشانند.

مشارکت سیاسی در کسب قدرت که همراه با مشارکت مثبت برای تشکیل دولت اسلامی و مشارکت منفی برای رویارویی با نظام ستم است؛ (۴) مشارکت سیاسی در تثبیت قدرت که با حقوقی مانند حق تعیین سرنوشت، حق انتخابگری و حق انتخاب شدن همراه است؛ مشارکت سیاسی در نظارت بر قدرت که در بستر آزادی رخ می‌دهد و با امر به معروف و نهی از منکر عملیاتی می‌شود. نوآوری نوشته از آن جهت است که تلاش شده است نقش حق مشارکت در آزادی سیاسی در مراحل مختلف از منظر کلام الهی بررسی شود. مشارکت اجتماعی مفهومی گسترده و با ابعاد وسیع می‌باشد که متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی از سطح پایین شهرداری، نظام آموزشی و... تا سطوح بالاتر دستگاه‌های عالی قانون‌گذاری اجرایی و قضایی است. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع در بردارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است.

## پیشینه پژوهش

صفی‌خانی، شمس، درویشی (۱۳۹۹) در پژوهشی به نقش نخبگان بر تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی با تاکید بر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. آن‌ها اشاره داشتند که اصل تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی یکی از اهداف اساسی انقلاب اسلامی ایران بوده است. نخبگان در معنای عام آن، طیف متعددی از سرآمدان و خواص جامعه را دربر می‌گیرد، اما مشخصاً نخبگان سیاسی می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در تحقق یا عدم تحقق اصل تعیین سرنوشت یا مشارکت سیاسی داشته باشند. (۵)

محب‌الطاهر (۱۳۹۹) در پژوهشی به منظور بررسی جلوه‌های مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی با روش توصیفی و تحلیلی، جلوه‌های گوناگون مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی را نمایان مشخص می‌کند و تحقق آن در مصادیق این شیوه از حکومت را بررسی کند. براساس یافته‌های این پژوهش، در حکومت اسلامی جلوه‌های گوناگونی از مشارکت سیاسی، شامل زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت، حراست از حکومت، دخالت در تصمیم‌گیری‌ها، اطاعت از حاکم، نظارت بر حاکم، ارشاد حاکم و سرانجام، بازخواست حاکم تحقق می‌پذیرد. (۶)

ایزدهی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی اشاره می‌کند که مشارکت مردم در گونه‌های متفاوت از نظام سیاسی و متناسب با مبانی و ساختار آن نظام، رویکرد متفاوت یافته است. در حالی که در نظام‌های مردم‌سالار، مردم، رکن اساسی در تعیین کارگزاران و تصمیم‌سازی شمرده می‌شوند، در نظام‌های غیرمردم‌سالار نیز مردم از جایگاهی متناسب با ساختار آن نظام برخوردارند. برخلاف نظام ولایی که گستره مناسبی از جایگاه مردم و مشارکت سیاسی آنان را باور دارد، در نظام خلافت و سلطنت، نه تنها جایگاه مضیقی برای مشارکت سیاسی مردم در نظر گرفته شده، بلکه نظام سیاسی به گونه‌ای است که ظلم و نابرابری (تعدی به حقوق مردم) در ساختار آن به صورت نهادینه وجود دارد. (۷)

## روش پژوهش

این تحقیق بر پایه مطالعات توصیفی - تحلیلی از متون دینی (قرآن حکیم، نهج البلاغه شریف و غررالحکم) با رویکرد سندکاوی، لغت‌کاوی و معناکاوی می‌باشد. مولفه‌های مستخرجه از بطن متون دینی در باب جایگاه مشارکت عمومی در تشکیل و اداره حکومت اسلامی و همچنین مبانی افزایشی و کاهشی آن ابتدا اکتشافی، داده‌یابی و داده‌کاوی و سپس استخراج گردیده‌اند. بنابراین تحقیق حاضر ماحصل مطالعات کتابخانه‌ای و بعضاً مشاهده اسناد، مدارک و متون حقوقی جهت تبیین قوانین مرتبط با مقوله‌های مستخرجه و همچنین بررسی دستاوردهای حقوقی و برخی از چالش‌های آن و فیش برداری از (قرآن حکیم، نهج البلاغه شریف و غررالحکم) به عنوان متون دینی و در ذیل آن قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته است. علاوه بر آن ضمناً به ژورنال‌های تخصصی، مقالات معتبر علمی و رساله‌های تحقیقی در حوزه متون دینی نیز مراجعه شده و از آن استفاده نموده‌ایم. فلذا این تحقیق علاوه بر جنبه‌های بنیادی دارای خصوصیات کارکردی و کاربردی نیز خواهد بود.

## مولفه‌های افزایش و تسهیل گر مشارکت عمومی

### ۱. حق محوری و حقیقت‌گرایی

در اندیشه دینی، برپایی حق در میان مردمان، اهمیت خاصی دارد تا جایی که لفظ حق با مشتقاتش ۲۸۷ بار و لفظ باطل ۳۵ بار در قرآن آمده است. خداوند در آیه‌ای به پیامبر گرامی خود می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيماً» (آیه ۱۰۵/نساء) ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا در بین مردم طبق آن رأی‌ی که خدا به تو نمایانده است و تعلیم فرموده، حکم کنی، پس جانب خیانتکاران را مگیر، لذا هدف از نزول کتاب آن است که حاکمیت و قوانین بر طبق شریعت الهی باشد و مراد از (بِمَا أَرَاكَ

اللَّهُ) ایجاد رأی و معرفی حکم است نه تعلیم احکام و شرایع که بعضی از مفسران احتمال داده اند و در آخر می‌فرماید: هرگز از خیانتکاران طرفداری نکن، چون (خصیم) یعنی کسی که از ادعای شاکی یا هر چیزی که در حکم دعوی است دفاع می‌کند، یعنی ای پیامبر از خیانتکاران دفاع نکن، بلکه جانب افراد محق را بگیر و عدالت را برقرار نما و مسلماً پیامبر (ص) همواره بر طبق حق حکم می‌نماید. یعنی هدف از فرستادن کتاب آسمانی، اجرای حق و عدل در بین مردم است.

اجرای حق و عدل از حقوق عمومی به شمار می‌رود که اگر از دین و حاکمیت گرفته شود، گویا روح و جان آن گرفته شده است. لذا امیرمؤمنان علی (ع) هدف از تشکیل حکومت را برپایی حق و عدل می‌داند که نتیجه اش اصلاح امور، فراهم شدن امنیت و آسایش برای آحاد جامعه و عملی شدن قوانین الهی است.

امام علی (ع)، «عدل» و «حق» را ملازم یکدیگر می‌شمارد و در مواعظ و خطبه‌های متعدد، مردم را به هر دو توصیه می‌کند و تحقق هر یک را بدون دیگری امکان‌پذیر نمی‌داند. (نهج البلاغه، نامه ۶۷)

اصل نوزدهم قانون اساسی به عنوان مترقی‌ترین قانون نظام جمهوری اسلامی نیز مردم ایران را از هر قوم و قبیله، رنگ، نژاد، زبان که باشند دارای حقوق مساوی می‌داند. لذا در اصل بیستم آورده است که همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

## ۲. تربیت مردم

تعلیم، جهل آدمی را می‌زداید و تأدیب، عمل او را استوار می‌سازد. این وظیفه دولت مردان است که در سایه رهاوردهای علم، مردم را به عمل وادارند؛ زیرا دانش، مقدمه و راه وصول به سالم زیستن است. علم، آبادانی پدید می‌آورد و راه وصول به سعادت را هموار می‌سازد. هر قدر سطح فرهنگ مردمان ارتقا یابد، سعادت و رفاه در زندگی بیشتر و بهتر فراهم می‌گردد؛ از این رو نظام حاکم باید بکوشد تا در سایه دانش و بینش، مردم را به وظایف خویش آشنا تر سازد و آنان را به این کار وادار نماید. تمامی احکام انتظامی اسلام نیز بر همین وجه تشریح شده است. لذا قرآن کریم می‌فرماید: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند! (جمعه/۲)

حضرت علی (ع) خطاب به امام حسن مجتبی می‌فرماید من در تعلیم و تربیت تو پیش از آنکه قلبت سخت شود و عقل و فکرت به امور دیگری مشغول گردد، مبادرت ورزیدم تا با تصمیم جدی به استقبال کارهایی بشتایی که اندیشمندان و اهل تجربه زحمت آزمون آن را کشیده اند. (نهج البلاغه/نامه ۳۱)

در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به: (آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی) به عنوان حقوق حیاتی ملت تصریح شده است.

## ۳. نظارت همگانی

یکی از مهم‌ترین عواملی که در تنظیم حیات اجتماعی مسلمین نقش اساسی دارد، مسئولیت عمومی و همگانی امت است که به نام فریضة «امر به معروف و نهی از منکر» مطرح شده است. هر فرد مسلمان، مسئول سلامت و پاکی محیط خود است. او در درجه اول می‌باید به خود پردازد:

عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ؛ (مانده، آیه ۱۰۵). «خود را دریابید»، و در مرتبه بعد به پاک زیستن اهل و عیال و وابستگان حساسیت داشته باشد: قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِكُمْ نَارًا؛ «خود و وابستگان خود را از آتش نگاه دارید»، و سپس مسئول پاک نگاه داشتن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، باشد:

از این روی در حدیث آمده است: كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ «همه مسئولیت سرپرستی دارید و همه در قبال کسانی که تحت

سرپرستی شمایند، مسئولید.» (۸)

قرآن کریم در یکی از آیات، نه صفت نیک از مؤمنین را می‌شمارد که «امر به معروف» و «نهی از منکر» را نیز از آن صفات می‌داند:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه، آیه ۱۱۲)؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند.

ما أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَفَفْتَهُ فِي بَحْرِ الْجَبِي.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر همچون

آب دهانی که در دریایی ژرف انداخته شود. (نهج البلاغه / حکمت ۳۷۴).

لذا در اصل ۸ قانون اساسی با ابتناء به وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (توبه/۷۱) در

جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم

و مردم نسبت به دولت که حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند اختصاص داده است.

#### ۴. عدالت‌گرایی

آیاتی که در قرآن به مسئله عدالت اشاره دارد، فراوان است. برخی از آیات به دلالت مطابقی، تعدادی نیز به دلالت التزامی و برخی دیگر

هم به دلالت تضمنی بر عدل الهی دلالت می‌کنند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم " لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ" (الحديد/۲۵)؛ ما پیامبران خود را با حجتی روشن (برای هدایت مردم) فرستادیم و به آنان کتاب و میزان عدالت نازل کردیم تا

مردم بعدل و عدالت قیام کنند.

"إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا

بَصِيرًا" (نساء/۵۸) خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در

حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بیناست.

اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به:

(احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین

و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین) تصریح نموده است.

#### ۵. مشورت با مردم

دین مبین اسلام برای شور و مشورت اهمیت ویژه‌ای قائل است، قرآن کریم یکی از امتیازات جامعه اسلامی را حرکت و عمل بر پایه

مشورت دانسته و بر آن تاکید کرده و پیامبر اکرم (ص) را که معصوم بوده و مستقیماً از منبع الهی وحی می‌گیرد، مکلف به مشورت کرده است: «

وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) نیز بر مطلوب دلالت دارد و مشارکت مستقیم و یا غیر مستقیم مردم در اموری که به آنان مربوط است در اسلام

پذیرفته شده است و نیز آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و در کارها با آنان مشورت کن، پس آن گاه که تصمیم گرفتی با توکل به خداوند آن را انجام بده که خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد» (آل عمران: ۱۵۹)

این آیات با ترغیب به مشورت - به ویژه برای حاکم جامعه - شفافیت و آگاه سازی را از باب شرط لازم برای مشورت دادن ضروری می‌نمایند. زیرا مشورت دادن منوط به اطلاعات کافی مشاور پیرامون موضوع مشورت است.

یکی از مهم ترین اصول سیاست اسلامی، اصل مشورت است که در دو بعد حق و تکلیف بدان می‌پردازند. مشورت برای دولت مردان گونه‌ای تکلیف است. آنان می‌باید در تمامی سیاست گذاری‌ها راه مشورت بیوند و این حق مردم است که طرف مشورت قرار گیرند.

دولت می‌باید تمام سیاست گذاری‌ها را با مردم در میان گذارد، و نهادهای طرف مشورت و نیز کارشناسانی که در ابعاد مختلف کشورداری، طرف مشورت قرار می‌گیرند، می‌باید مردمی و از متن جامعه و برگزیدگان مردم باشند.

خداوند می‌فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، آیه ۱۵۹). «این عنایت الهی است که بر آنان (مردم) نرم شدی. اگر درشت و دل سخت بودی، از گردت پراکنده می‌شدند. پس، از ایشان (اگر ناروایی دیدی) در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها (سیاست گذاری‌ها) از ایشان رأی جوی، و چون دل نهادی (بر تنفیذ تصمیم گرفتی) دل به خدای استوار دار که خداوند، آنان را که دل بدو استوار کنند، دوست دارد.»

اصل ۷ قانون اساسی طبق دستور قرآن کریم به امر مشاورت و مشارکت عمومی تصریح نموده است:

وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند).

## ۶. پاسداشت مشارکت مردم در امور

حضور و مشارکت در عمل اجتماعی نه تنها یک حق بلکه تکلیفی عقلانی، عقلایی و شرعی است. از نظر آموزه‌های قرآنی، تنها راه رهایی از خسران و زیان ابدی و شقاوت جاودانه، ایمان و عمل صالح است که در اشکال گوناگونی از جمله عمل اجتماعی بروز و ظهور می‌یابد. (سوره عصر؛ فاطر، آیه ۱۰) پس کسی که تنها به تزکیه و خودسازی فردی اقدام می‌کند و با جدا شدن از جامعه و فعالیت‌های اجتماعی از حضور در میان اجتماعات و ایجاد ارتباط با مردم و همکاری و تعاون با آنان خودداری می‌کند، (مانده، آیه ۲) هرگز مسلمان دانسته نمی‌شود و رنگ رستگاری به معنای واقعی را نخواهد دید، زیرا مسلمانی در ایمان و عمل صالح معنا می‌یابد که دو مصداق برجسته آن نماز و انفاق است. (بقره، آیات ۲ تا ۵) به نظر اسلام، انسان مسلمان کسی است که خود را ساخته و در اندیشه ساختن دیگران و جامعه است. این گونه است که می‌تواند رنگ رستگاری و فلاح را ببیند و از زیان ابدی رهایی یابد.

خداوند در این آیه هر عمل اجتماعی در جامعه اسلامی را نه تنها عمل صالح به مفهوم اسلامی آن می‌داند، بلکه از مصادیق احسان می‌شمارد. این بدان معناست که کوچک ترین کارهای ما در جامعه اسلامی، از مقام و منزلت بزرگی برخوردار است و ارزش آن را نمی‌توان همانند

کارهای شخصی و فردی دانست. یکی از کارهای مهم که از مصادیق بزرگ و روشن عمل صالح و احسان خشم آفرین در دل‌های دشمنان است، حضور و مشارکت در بیعت و انتخابات می‌باشد.

مردمان در یک حکومت زمانی به درستی از حقوقشان بهره می‌یابند که امکان مشارکتشان، به طور واقعی، فراهم باشد؛ و بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها و اداره حکومت نقش داشته باشند، و در نحوه کار زمامداران نظارت کنند و نظر دهند، و نظرشان مورد توجه قرار گیرد. امیرمؤمنان علی(ع) بر این بود که همگان در حکومت مشارکت کنند و نقش داشته باشند، چنان که فرموده است:

«لَيْسَ أَمْرٌ - وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزِلَتُهُ وَتَقَدَّمَتْ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِفَوْقِ أَنْ يِعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهَا، وَلَا أَمْرٌ - وَإِنْ صَغُرَتْهُ النَّفُوسُ وَاقْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ - بِدُونِ أَنْ يِعِينَ عَلَى ذَلِكَ أَوْ يِعَانَ عَلَيْهِ.» (نهج البلاغه/خطبه ۲۱۶)

هیچ کس - هر چند جایگاهش در حق بسی بزرگ بود، و برتری او در دین بسی پیش‌تر از دیگران باشد - بالاتر از آن نیست که در گزاردن حقی که خداوند بر عهده او گذاشته است از یاری دیگران بی‌نیاز باشد. و هیچ کس هر چند مردمان او را کوچک شمارند و در دیده آنان بی‌مقدار به حساب آید - خردتر از آن نیست که نتواند دیگران را در گزاردن حق یاری دهد یا نخواهد که بر انجام دادن وظیفه او را یاری دهند.

زمینه‌سازی برای مشارکت همگانی در حکومت، پاسداشت کرامت مردمان است؛ و امیرمؤمنان علی(ع) این مشارکت را تا آن جا می‌داند که هیچ کس محروم نگردد، و هیچ کس خود را بی‌نیاز از آن نخواند. امام(ع) در این جهت، راه را بر همگان گشود تا هر کس به تناسب توان خود، مشارکت نماید؛ و از مردمان خواست تا از مشارکت در امور، حق‌خواهی، نظردهی و دادخواهی خودداری نکنند:

«فَلَا تَكْفُؤْا عَنْ مَقَالِهِ بِحَقِّ، أَوْ مَشُورِهِ بِعَدْلٍ.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)

پس از گفتن حق و مشورت به عدالت خودداری نکنید.

اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به امر مشارکت عمومی مبادرت نموده است:

(مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش).

## ۷. آگاهی یابی و گردش آزاد اطلاعات

امروزه دسترسی آزاد به اطلاعات از اصول تردید ناپذیر دموکراسی است که به تحقق مفهوم شهروندی کمک می‌کند در قرآن حکیم آیه ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (قلم/۱) موبد محقق شدن این مهم می‌باشد.

از طرفی برپایی عدالت نیازمند آگاهی‌یابی و گردش آزاد اطلاعات است. در جامعه‌ای که راه‌های کسب آگاهی مسدود یا محدود باشد، و گردش اطلاعات در بند؛ عدالت فرهنگی پا نمی‌گیرد، و دیگر عرصه‌های عدالت نیز به شدت آسیب می‌بیند.

امیرمؤمنان علی(ع) که در پی برپا ساختن عدالتی فراگیر و مبتنی بر زیرساخت‌های آن بود، گردش آزاد اطلاعات و آگاهی‌یابی را حق مردمان می‌دانست و بر پاسداشت آن تأکید می‌ورزید، و به مردمان می‌آموخت کف این حق را بشناسند و مطالبه‌اش کنند و پاسش بدارند، چنان که می‌فرمود:

«أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ.» (نهج البلاغه، نامه ۵۰)

هان بدانید که حق شما در نزد من آن است که هیچ رازی را جز در [امور] جنگ بر شما نپوشانم.

از منظر امام علی (ع) حقیقت‌جویی و آگاهی‌یابی، امری فطری است، و هر انسانی در پی آن است، و لازم است این راه بر او گشوده باشد، و انسان خود در این جهت تلاش نماید. در آموزه‌های امام علی (ع) آمده است:

« الْحِكْمَةُ ضَالَةٌ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَلَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ. » (نهج البلاغه، خطبه ۵۱)

حکمت، گمشده مؤمن است. پس، حکمت را فراگیر، هر چند از منافقان باشد.

« خُذِ الْحِكْمَةَ أَنْتَى كَأَنْتَ. » حکمت را هر جا باشد فراگیر! (نهج البلاغه/حکمت ۷۶)

لازمه حقیقت‌جویی و آگاهی‌یابی، زدودن تنگ‌نظری در عرصه فرهنگی و گزارش آزاد اطلاعات است. دانستن و آگاه شدن بدون ملاحظیات تنگ‌نظرانه، راه رشد فرهنگی جامعه و زمینه‌سازی عدالت فرهنگی است. امام علی (ع) این امر را پاس می‌داشت و تنگ‌نظری‌هایی را که پیوسته سدّی در برابر عدالت است زیر پا می‌گذاشت.

در اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌شود که: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزاداند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» طبیعتاً وقتی مطبوعات که میزان تاثیرگذاری آنان به مراتب بیش از ابراز عقیده اشخاص است، در بیان مطالب و نقدهای خود آزاداند، دیگر افراد عادی نیز به طریق اولی آزاد خواهند بود.

#### ۸. پاسداشت رحمت‌گرایی و مهرورزی

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه/۷۱)، و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند. همبستگی ایمانی بین مؤمنان سبب می‌شود آن‌ها نسبت به یکدیگر ولایت داشته و در سرنوشت همدیگر خود را مسئول بدانند و به یکدیگر محبت ورزند و یاری رسانند؛ لذا باید به گونه‌ای همزیستی داشته باشند، تا سبب میل و اشتیاق همدیگر به رفتار پسندیده گردد و نفرت از ناپسندی‌ها را در دل مؤمنان ایجاد کند و از رفتار زشت بازدارد.

خدای متعال می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ لذا لازم است مؤمنان به پیروی از آن بزرگوار (ص) در تعامل با پیروان ادیان و مکاتب دیگر، در روابط علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در صدد هم‌افزایی اخلاقی باشند.

تکریم مردمان در حکومت با رحمت کردن و مهر ورزیدن به آنان مشخص می‌شود، و از این روست که امیرمؤمنان علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر چنین سفارش کرده است:

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ، يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلَلُ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ وَيُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَالْخَطَا، فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

پاسداشت حرمت و کرامت مردمان بدون دوست داشتن بی‌شائبه آنان، با تمام وجود، و رحمت ورزیدن و لطف داشتن به ایشان، در عمل، راه به جایی نمی‌برد؛ و این امر باید درباره همه مردمان باشد، بدون هیچ‌گونه مرزبندی؛ و نشانه این امر بخشش و گذشت از لغزش‌ها و نادرستی‌های



دانسته یا نادانسته آنان است تا آن‌جا که به حرمت و کرامت، و حقوق دیگر مردمان تجاوزی صورت نگیرد؛ ولی آن‌چه به زمامداران مربوط می‌شود، باید با بخشش و گذشت کامل، در هر شرایطی، همراه باشد تا دوستی و رحمت و لطف زمامداران به مردمان معنا یابد.

در اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به:

(کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا) تصریح شده است.

## ۹. رفق و مدارا شاخصه حکومت حق و عدل

لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

(ممتحنه/۸) خدا شما را از کسانی که در دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

در اندیشه و سیره امام علی(ع) حکومت حق و عدل با شاخصه رفق و مدارا معنا می‌یابد، و جز آن‌جا که هیچ چاره‌ای نمی‌ماند مگر به کار

گرفتن شدت قانونی، نمی‌بایست از رفق و مدارا دور شد. سیره امیرمؤمنان علی(ع) چنین بود و از کارگزاران خود می‌خواست که بر این امر پایدار باشند و آنان را نگاهبانی می‌کرد تا از پاسداشت رفق و مدارا دور نشوند. امام(ع) هرگز از این راه و رسم دور نشد و از ابتدا تا انتهای حکومت خود بر این اساس حکومت کرد. در ابتدای حکومت خود، چون حذیفه بن یمان، فرماندار مداین را در آن‌جا ابقا کرد، در نامه‌ای بدو نوشت:

«أَمْرُكَ بِالرَّفْقِ فِي أُمُورِكَ، وَاللِّينِ فِي رِعْيَتِكَ، فَإِنَّكَ مُسَائِلٌ عَنْ ذَلِكَ، وَإِنْصَافِ الْمَظْلُومِ، وَالْعَفْوِ عَنِ النَّاسِ، وَحُسْنِ السِّيَرَةِ مَا اسْتَطَعْتَ،

فَإِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.» (بحار الانوار، ج ۳: ۱۴۰۳، ۲۹۷، ۲۱)

فرمان می‌دهم تو را به رفق و مدارا ورزیدن در کارها، و نرمی و عدالت نمودن با شهروندان، که تو در این امور پرسش می‌شوی، و تو را

فرمان می‌دهم به داد ورزیدن نسبت به ستم‌دیده، و بخشش نسبت به مردمان، و سیرت نیکو در رفتار تا آن‌جا که می‌توانی، که همانا خداوند نیکوکاران را پاداش می‌دهد.

اصل ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حکم آیه فوق دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان را موظف می‌داند نسبت به افراد

غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

## ۱۰. شفاف‌سازی و صداقت

در این که منظور از «صادقین» چه کسانی است، اگر به خود قرآن مراجعه کنیم در آیات متعددی صادقین را تفسیر کرده است. در آیه

۱۷۷ **سوره بقره** می‌فرماید: "لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ".

نیکوکاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید (چه این چیز بی‌اثری است) لیکن نیکوکاری آن است که کسی به خدای

عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بندگان صرف کند، و نماز به پا دارد و زکات مال (به مستحق) بدهد، و نیز نیکوکار آنانند که با هر که

عهد بسته‌اند به موقع خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار صبور و شکیبا باشند. (کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند) آن‌ها به حقیقت راستگویان و آن‌ها به حقیقت پرهیزکارانند.

آموزه‌های امام علی(ع) در عرصه مدیریت، در این جهت است که مدیریتی موفق شکل گیرد، و از لوازم اساسی چنین مدیریتی، شفاف‌سازی در امور است، چنان که امام علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر فرموده است:

«إِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بَعْدَ رِكَ وَاعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِإِصْحَارِكَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ وَرِفْقًا بِرَعِيَّتِكَ وَإِعْذَارًا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ.» (نهج البلاغه/نامه ۵۳)

اگر شهروندان درباره تو ستم روا داشتی را گمان بردند، دلیل خود را برایشان شفاف آشکار کن، و با این شفاف‌سازی‌ات، گمان‌های [بد] ایشان را از خویش بگردان، که در این کار، گونه‌ای پرورش دادن نفست است، و همراهی و نرمشی با شهروندان، و دلیل آوردنی است که با برپا داشتن و بردن آنان به راه حق به خواست خودت هم رسیده‌ای.

در اصل ۶۹ قانون اساسی، علنی بودن مذاکرات مجلس شورای اسلامی تصریح شده است و می‌توان علنی کردن جلسات شورای نگهبان را در چارچوب اصل مذکور و در راستای اطلاع یافتن مردم از مسائلی که به سرنوشت‌شان مربوط می‌شود نتیجه گرفت.

## ۱۱. پایبندی به عهد و پیمان

خداوند حکیم در آیه یک سوره مائده، وفاداری به هر پیمانی را از مؤمنان می‌خواهد و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده/۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان‌ها وفا کنید.

هیچ چیز مانند پایبندی به عهد و پیمان، فضای درونی، و روابط و مناسبات بیرونی مدیریت را بسامان نمی‌سازد، و محیطی امن برای

کارکنان، و مجموعه‌ای قابل اعتماد برای همگان فراهم نمی‌نماید. امیرمؤمنان علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر چنین فرموده است:

«وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَذِمَّتَهُ آمِنًا أَفْضَاهُ بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ، وَحَرِيمًا يَسْكُنُونَ إِلَيْهِ مَنَعَتِهِ، وَيَسْتَفِيضُونَ إِلَيْهِ جِوَارِهِ.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

و بی‌گمان خداوند پیمان و زینهار خود را وسیله آسودگی و امنیت ساخته، با رحمت خود در میان بندگانش گسترش داده، و به صورت

حریم و پناهگاه استوار و گزندناپذیری درآورده است که مردمان به پناهش رخت می‌گسترانند.

هر سازمانی در بند مجموعه‌ای از قرارها، قراردادها، و پیمان‌ها است، و رویکرد متعهدانه بدانها و پاسداشت همه جانبه آن‌ها، مایه آسودگی

خاطر، امنیت، استواری، و پیشرفت است، و برای آن هیچ جایگزینی نیست؛ و بهره و نتیجه این پاسداشت در درجه نخست از آن مجموعه مدیریتی

می‌گردد. امیرمؤمنان علی(ع) در آموزه‌ای والا فرموده است: «الْأَمَانَةُ فَوْزٌ لِمَنْ رَعَاهَا.»

امانت‌ورزی، پیروزی و توفیقی است برای رعایت کننده‌اش.

## ۱۲. اهمیت حسن ظن به شهروندان

سوره حجرات، آیه ۱۲ می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَآ تَجَسَّسُوا. ای مؤمنان از گمان‌های بد

پرهیزید زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است و در امور مردم تجسس نکنید.

ذهن بدگمان نمی‌تواند رابطه اخلاقی مناسبی را در میان خود و دیگران ایجاد کند؛ در واقع خوش‌گمانی شرط توسعه ارتباطات صحیح است. اما کسب این خوش‌گمانی هزینه‌هایی دارد! کارگزاران فقط زمانی می‌توانند نسبت به مردم خوش‌گمان باشند که صادقانه به آن‌ها خدمت کرده باشند. زیرا عامه مردم نسبت به خدمتگزاران صادق خود، وفادارند و از آن‌ها حمایت می‌کنند. بنابراین خوش‌گمانی حکمران به عامه مردم و خوش‌گمانی مدیر به کارکنان، هنگامی معقول و منطقی است که حکمران یا مدیر از نیک‌سرشتی و صداقت خود در خدمت به مردم مطمئن باشد. در واقع در این منطق، وفاداری و حمایت مردم بازتاب نیک‌رفتاری مدیران تلقی می‌شود؛ یعنی فقط مدیری که به مردم صادقانه خدمت می‌کند، می‌تواند به بازتاب این صداقت در رفتار مردم با خود اعتماد کند!

حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر (عهدنامه مالک) می‌فرماید: برای شهروندان مهربانی و محبت و لطف در دل خود قرار بده، یعنی کارگزاران باید به صورت حقیقی مردم را دوست داشته باشند و با آن‌ها با مهربان برخورد کنند؛ همچنین دقت در کارهای شهروندان از سفارش‌های دیگر در این زمینه است و ایشان می‌فرمایند: «مبادا علیه شهروندان مانند یک حیوان درنده باشی که خوردن آن‌ها را غنیمت می‌شمارد زیرا شهروندان دو دسته هستند یا برادر ایمانی تو هستند یا همانند تو در آفرینش.»

بند ۱۵ از اصل سوم قانون اساسی تأکید به توسعه و تحکیم به برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم کرده است. بدیهی است هرچه همکاری و تعاون بین افراد جامعه بیشتر باشد، حسن ظن و اعتماد به یکدیگر بیشتر خواهد بود.

### ۱۳. تأمین خشنودی مردم از طریق رعایت عدالت

به‌طور منطقی، عدالت بر طریق و رویه‌ای دلالت دارد که همه را به‌طور نسبی خشنود می‌کند؛ در حالی که هرگونه خروج از الزامات عدل، به خشنودی برخی از نزدیکان و خشم گسترده عامه مردم منجر می‌شود. از این‌رو، ضمن تأکید بر پوشش همگانی منش عدالت‌گستری مدیر، تأکید می‌شود که مدیر باید از تکیه بر نزدیکان پرهیزد و عامه مردم را هدف خط‌مشی‌های عدالت‌گستر خود قرار دهد.

تأمین خشنودی مردم بسیاری از نگرانی‌ها را برطرف می‌سازد و غبار غم از چهره حاکم و حکومت برمی‌گیرد؛ لذا قرآن حکیم در آیه وَ أَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ (حجرات/۹) می‌فرماید مطابق عدل عمل کنید، همانا خداوند دوست می‌دارد آن‌ها را که طالب عدالت هستند. بنابراین هر کس بخواهد بین مردم و حکمران فاصله بیاندازد، مردم را تحقیر نماید یا خود و حاکم را با تعابیر چاپلوسانه، برتر از عامه مردم جلوه دهد، مشاوری بابکار است و باید از دستگاه حکمرانی بیرون رانده شود، به‌ویژه حاکم باید از افرادی که دین را ابزار نیل به دنیا می‌سازند، پرهیز نماید. در این امتداد، حاکم باید ابهامات و کینه‌ها و عقده‌ها را از میان بردارد و میان خود و مردم رابطه‌ای صمیمی و پرمحبت برقرار سازد؛ رابطه‌ای که هیچ‌کس نتواند آن را زایل نماید.

اصل ۱۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور منتخب را ملزم به سوگند نامه ذیل در محضر نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌نماید:

(رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید.

"من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام

جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیتهایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم.

#### ۱۴. به کار گماری شایستگان و آزمون شایستگی آنان

حکمرانان باید با حفظ بی‌طرفی و به دور از هرگونه تعلق خاطر و نگاه تبعیض‌آمیز، شایسته‌ترین افراد را به کار بگمارند. در واقع رعایت شایستگی در انتصاب کارکنان، دبیران و کارگزاران، از مهم‌ترین اصول اخلاقی اداره است. این شایستگی باید بر مبنای آزمون‌ها و مستندات کافی احراز گردد. ضمن این که شایستگی انسانی، امری پایدار نیست و به هر دلیل، ممکن است افراد شایسته امروز، در آینده شایستگی خود را از دست بدهند یا در رقابت سالم آحاد گوناگون جامعه، افراد شایسته‌تری پیدا شوند که برای تصدی امور مورد نظر مناسب‌تر باشند. باید توجه داشت که این حق آحاد جامعه است که اداره امور آن‌ها به شایسته‌ترین افراد سپرده شود. بنابراین، یکی از مهم‌ترین الزامات متمایزکننده حکمرانی اخلاقی از سایر شیوه‌های حکمرانی، همین است که در استمرار شایسته‌سالاری در دستگاه اداری خود بکوشد. در همین امتداد، حکمران باید در آزمون شایستگی، به عواملی چون تقوایشی، درایت، تخصص، بصیرت و آینده‌نگری افراد توجه نماید.

در همین راستا با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان قانون حکومت اسلامی در می‌یابیم که در جهت بیان مدیریت نهادها و کارگزاری‌های نظام به دست مدیران صالح و لایق، آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، «البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد» (انبیاء/ ۱۰۵) رجوع کرده است و در مقدمه‌ی قانون اساسی در مبحث شیوه‌ی حکومت در اسلام، جهت اذعان به معنویت‌گرایی و حرکت در راستای قرب الهی، آیه «وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»، «بازگشت همه‌ی خلایق به سوی اوست». (نور/ ۴۲) به کار رفته است. برای بیان تحقق حکومت مستضعفین به آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، «و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل در آن سرزمین منت گذارده و آن‌ها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم». (قصص/ ۵) استناد شده است. در مبحث قضا در قانون اساسی و لزوم عدل و قسط در داوری، به آیه «إِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» استناد شده است و برای بیان الگو بودن و برجستگی نظام اسلامی از آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» الهام گرفته شده است.

در اصل ۷ قانون اساسی، برای تأکید بر ضرورت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و ایجاد سیستم شورایی، از آیات «و امرهم شوری بینهم» و «شاوهم فی الامر» مدد گرفته شده است. در اصل هشتم نیز، جهت بیان وجوب و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه‌ی همگانی در جامعه، آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» را شاهد می‌آورند. در اصل چهاردهم قانون اساسی، لزوم رفتار حسنه و عادلانه با افراد غیر مسلمان، با آیه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا قَاتَلْتُمُوهُمْ فِي الدِّينِ وَكَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»

آیات فوق، شاهد مثال‌هایی هستند که مستقیماً در متن قانون اساسی به آن‌ها استناد شده است، در حالی که می‌توان آیات زیادی را برشمارد که بدون ذکر آن‌ها در متن، به بسیاری از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شکل داده‌اند و به نوع حکومت، ویژگی حکمران و تکلیف و حقوق مردم پرداخته است.

## نتیجه‌گیری

استقرار نظام شایسته سالار یک هدف آرمانی و از جنس حقوق عمومی است که مردم آن را مطالبه‌گر هستند. راه تحقق شایسته سالاری در نظام حکومتی، مبتنی بر یک ساز و کار تلفیقی است که حاصل فرایند: (شایسته خواهی، شایسته سنجی، شایسته‌گزینی، شایسته‌گیری، شایسته‌گماری، شایسته‌داری و شایسته‌پروری) است.

به موجب اصل هشتم قانون اساسی، دعوت به خیر، امر به معرف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

از منظر متون دینی (آیات سوره عصر، ۳۸ شوری، ۳۸ مائده، ۴۵ اعراف، ۴۱ حج و... از قرآن حکیم و نامه‌های ۲۷ و ۵۳ و خطبه ۲۱۶ از نهج البلاغه شریف) مشارکت عمومی در تشکیل و اداره حکومت اسلامی نقش اساسی و بنیادی دارد. مشارکت عمومی در تشکیل حکومت اسلامی بر اساس آیات ۱۰ و ۱۸ فتح، ۱۲ ممتحنه، ۳۸ مائده و حکمت ۱۶۱ نهج البلاغه شریف باعث پیوند و پیوست عمیق اجتماعی بین ملت و دولت شده و بقای جامعه، عظمت، قدرت و قوت حکومت را در پی خواهد داشت. جایگاه مشارکت عمومی در اداره حکومت اسلامی بر اساس آیات سوره بقره، نساء، مریم، توبه و مائده از قرآن حکیم در باب پرداخت خمس، زکات و نامه‌های ۲۵ و ۵۳ و... از نهج البلاغه شریف موجب اقتدار و کارآمدی در اداره حکومت اسلامی می‌گردد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ... (رعد/۱۱)

... یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان آنچه را که در وجودشان قرار دارد، تغییر دهند... حق تعیین سرنوشت دارای قلمروی درونی و قلمروی بیرونی یا بین‌المللی است.

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران، ۱۰۴)

و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فراخوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند. (آل عمران، ۱۰۴)

نیز در چهارچوب مضامینی همچون: بیعت، امر به معروف و نهی از منکر و...، به مشارکت همگانی (عمومی) مردم پرداخته‌اند که اجمالاً به برخی از موارد اشاره می‌نماییم:

" فَتَدَاكُؤُا عَلٰی تَدَاكُؤِ الْاٰیِلِ الْهٰیْمِ يَوْمَ وِرْدِهَا وَ قَدْ اَرْسَلَهَا رَاعِيَهَا وَ خُلِعَتْ مَثَانِيهَا... "

از سخنان آن حضرت (ع) است در بیان بیعت کردن (مردم با آن بزرگوار): پس (از کشته شدن عثمان) مردم نزد من خود را به یکدیگر زده (برای بیعت نمودن) ازدحام نمودند، مانند ازدحام شتر تشنه هنگام آشامیدن آب که عقال و ریسمانش باز شده و ساریان رهایش نموده باشد... (خطبه ۵۴ نهج البلاغه)

همچنین در نامه ۲۷ به فرماندار مصر، محمد بن ابی بکر، هنگامی که او را در آغاز سال ۳۷ هجری به سوی مصر فرستاد، بیان می‌دارد با مردم فروتن باش، نرمخو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش. در نگاه هایت، و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران اصل و اساس بر رای و نظر مردم نهاده و به حقوق عمومی ارجح گذاشته است و انتخاب متصدیان امور ملی و محلی مردم از بالاترین مقام که عهده دار نظارت بر کار قوای سه گانه است و در راس نهادها قرار گرفته تا انتخاب نمایندگان به مردم سپرده شده است. در حقوق اساسی ایران انتخاب رهبر بر عهده مردم گذاشته شده است. اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اشعار می‌دارد: « احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت». انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شوراهای مصادیق اداره حکومت اسلامی توسط مردم می‌باشد.

پس از بررسی متون دینی که گفتمانی از جنس حقوق عمومی دارند، مولفه‌های افزایش مشارکت عمومی در تشکیل و اداره حکومت اسلامی، حق محوری و حقیقت‌گرایی، حق زندگی، حق رفاه عمومی، حق تامین نیازمندان، پاسداشت آزادی‌های مردم، حق آزادی در تعیین سرنوشت سیاسی، پاسداشت حق حاکمیت مردم، حق آزادی انتخاب زمامدار، حق آزادی در بیعت، رعایت حقوق شهروندی، حق آزادی عقیده، حق بهره‌مندی از سرانه برابر، حق پرسشگری، رعایت حقوق و رساندن هر ذی‌حقی به حقی، پاسداشت حق آموزش و تربیت، حفظ حقوق مخالفین، تربیت مردم، نظارت همگانی، عدالت‌گرایی، مشورت با مردم، پاسداشت مشارکت مردم در امور، آگاهی‌یابی، گردش آزاد اطلاعات، پاسداشت رحمت‌گرایی و مهرورزی، شفاف‌سازی و صداقت، پابندی به عهد و پیمان، اهمیت حسن ظن به شهروندان، به کار گماری شایستگان و آزمون شایستگی آنان می‌داند.

## فهرست منابع

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha Sharif.

Izdehi, S. J. (2017). Political Participation in Shia Political Jurisprudence. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization.

Javadi Amoli, A. (2010). Tafsir Tasnim (Vol. 7). Qom: Isra.

Majlesi, M. B. (1403 AH). Bihar al-Anwar al-Jamaa ledorer of Akhbar al-Immah al-Athar. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.

Moheb al-Taher, D., & Nowrozi, M. J. (2019). Fields of political participation in Islam. Marafet Magazine, Qom, (279), 23-34.

Safi Khani, B., Shams, A., & Darvishi, B. (2019). The role of elites in determining destiny and political participation with an emphasis on the system of the Islamic Republic of Iran. Approach to the Islamic Revolution, (51), 67-92.

Seyed Bagheri, A., Ahmadi, S. M. S., & Masoud, G. (2017). Reflection on the meaning of the word "government" in interaction with Islamic government. Scientific-Research Quarterly of Jurisprudence and History of Civilization, (57), 1-26